

## غزل شماره ۲۴۸

ای صبا نکتہتی از کویِ فلانی به من آر  
زار و پیاہِ غمِ راحتِ جانی به من آر

قلب بی حاصلِ ما را بزنِ اکسیرِ مراد  
یعنی از خاکِ درِ دوستِ نشانی به من آر

در کیمیا گاہِ نظرِ بادلِ خویشم جنک است  
زار و غمزهٔ او تیر و کمانی به من آر

در غمِی و فراق و غمِ دل پیر شدم  
ساغرِ می ز کفِ تازه جوانی به من آر

مسکراں را هم از این می دوسه ساغرِ پشیمان  
وگر ایشان نستانند روانی به من آر

ساقیا عشرتِ امروز به فردا مکن  
یا ز دیوانِ قضا خطِ امانی به من آر

دل از دست بشد دوش چو حافظ می گفت  
کای صبا نگهتی از کویِ فلانی به من آر

## تفسیر فال

بر سر دو راهی دشواری قرار گرفته‌ای و در این لحظه‌ی حساس، نمی‌دانی کدام مسیر را باید انتخاب کنی. احساس تنهایی بر تو چیره شده و دل‌تنگی در درونت ریشه دوانده است. همچون درختی که ریشه‌هایش از خاک بریده شده، احساس پیری و خستگی می‌کنی؛ زیرا خود را از تمام جنبه‌های زندگی، حتی خوشی‌ها و شادی‌ها، جدا کرده‌ای. اما به یاد داشته باش که آنچه برای سرنوشت تو مقدر شده است، نهایتاً به وقوع خواهد پیوست. امید را در دل زنده نگه‌دار و غم را از زندگی خود کنار بگذار تا بتوانی به وصال یار دلخواهت نائل شوی. این امید می‌تواند همچون نوری در تاریکی باشد که تو را به سمت آینده‌ای روشن هدایت می‌کند.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)